

## لسان عمومی اسپرانتو

هر عصر را مقتضائی و هر دوره ای را ضروریات مخصوصه است که به وسیله نابغین آسمانی و متفکرین نامی که در ردیف اول جامعه قرار دارند بسایر افراد و عامه مردم گوشزد شده و لزوم آن خاطر نشان عموم میگردد. مقتضیات هر قرن و عصر چون از لوازم ضروریه است بهر نحو شده بالاخره صورت خارجی بخود میگیرد و مجری میشود اگرچه جمعی بمخالفتش قیام کنند و به ممانعتش اقدام نمایند . . .

فلسفه تجدید شرایع سماویه و نسخ احکام فرعیه هر شریعت سابقه بر اثر ظهور شریعت لاحقیه . . . و همچنین تغییر و تبدیل قوانین موضوعه دولتی روی همین اساس و بر زبر همین پایه بست قرار گرفته است و تغییر مقتضیات قرون و ادوار بواسطه ترقی عقول و افکار و تطور اوضاع مستلزم تغییر قوانین سماوی و بشری میگردد .

معاندین و جهلاء قوم بواسطه تعصب و شدت نفوذیکه اوهام تقلیدیه در آنها دارد هر چند میخواهند در قبال مقتضیات عصریه مقاومت کرده از جریان آن جاوگیر می کنند بالاخره در مقابل قوت اقتضای زمان از پا در آمده ناچار در قبال آن مقتضیات تسلیم و خاضع خواهند شد . « سنة الله التي قد خلت من قبل وان تجد لسنة الله تحویلا » « قرآن مجید »

عالم امروزی بدیهیست که غیر از دنیای سابق است ، ظهور مکنونات طبیعیه و بروز ودایع مستوره در بطون خلقت که در تحت قانون تقدم و ارتقاء وقوع یافته مقتضیات قرن اخیر و زمان ما را نسبت بقرون ماضیه تغییراتی کامل داده و ضروریات مخصوصی را برای این عصر ایجاب میکند .

وجود رابطه کامل و حصول اتحاد شرق و غرب و الغای تعصبات مختلفه و توحید عالم انسانی در این دوره از مقتضیات حتمیه الاجراء و از لوازم ضروریه امروزی بشمار است .

فکر دانشمندان و عقول سلیمه نابین اینمعنی را بخوبی حس کرده و به مسأله که حصول مقتضای عصر را تسریع میکنند پی برده و به عالم بشری گوشزد نموده اند .

از جمله اختراع و ایجاد يك لسان و لغت عمومی است که تمام مردم دنیا آنرا تحصیل کرده و برای تحکیم روابط بکار برند .

راجع به این قسمت در مجله الهلال مقاله نسبتاً جامعی بقلم یکی از فضلاء انتشار یافته بود که بواسطه تناسب مقام ترجمه آن را ذیلاً مینگاریم :

### «لغت بین المللی»

که عموم مردم با وجود اختلاف لغات بتوانند بواسطه آن بمقاصد یکدیگر مطلع شوند»

بشر هر روز شدت احتیاج خود را بیک زبان عمومی و لغت بین المللی بیش از پیش احساس میکند . زیرا وجود روابط مختلفه که مابین امم و طوائف مشاهده میشود قضیه مزبوره را در نظرها با اهمیت کامله جلوه گر ساخته و می سازد . . .

اهمیت این مسئله برای اشخاص منورالفکر عصر حاضر مخفی نمانده و از اینرو همت گماشتند که لغتی عمومی و حتی الامکان آسان و ساده ایجاد نمایند تا باین وسیله بشر با هم متفق شده و آن لغت را هم بعلاوه زبان مادری خود از کوچکی بیاموزند و در هنگام احتیاج و مقام تفاهم با عواطف مختلفه و ملل متظوره

بکار برند .

گویند اول کسی که اذهان فلاسفه و متفکرین را باین موضوع مهم متوجه ساخت فیلسوف مشهور فرانسه « دیکارت » بود بدیهیست استنباط لغت و ایجاد زبانی با این شکل و برای این مقصود مهم کار آسانی نیست وضع لغت با قواعد ترکیب الفاظ و سایر فروع امری بی نهایت صعب است و مرده را به تحصیل و قبول و ترویج آن وادار کردن از همه سخت تر .

از این جهت مساعی و هممی که در این طریقه مبذول و مصروف میشد اسیر خیت شده و بمقصود نائل نمیشد چندین لغت مختلف بتوسط اشخاص متعدد که از ده لغت متجاوز است اختراع و ایجاد شد ، از آن میانه فقط یکی که حاوی شرایط و شامل سهولت و سادگی بود صرف توجه واقع گردید و آن لسان عمومی « اسپرانتو » « ESPERANTO » میباشد .

### « شرایط زبان بین المللی »

قبل از شروع در شرح اسپرانتو شروطی را که بنظریه ما لغت بین المللی باید دارا باشد تذکر داده سپس بتفصیل اسپرانتو میپردازیم . شرایطی که بنظر نگارنده راجع بلغت بین المللی میرسد بقرار ذیلست :

۱ - لغتی که میخواهد عمومی شود باید طوری باشد که عامه مردم معانی و مقاصد بسیطه دوران زندگی خود را که بدانها محتاجند بتوانند بوسیله آن لغت تادیه نمایند و نیز باید اصطلاحات علمیه و فنی و تجارائی و فلسفی را باندازه کامل دارا باشد .

۲ - لغت مزبور باید دارای الفاظ بسیطه و ترکیب سهلی باشد که بفهم و مدارك عموم نزدیک و فرا گرفتن آن هم آسان باشد .

۳ - لغت عمومی باید غیر از لغات حیه منتشره باشد .

جهت لزوم شرط اول و ثانی واضح و آشکار و مستغنی از شرح علت و بسط سبب است . لزوم شرط سیم گمان میکنم محتاج بتفصیل باشد از اینجهت می گوئیم - هیچ کدام از لغات حیه امروزه نمیتواند مقام عمومیت را احراز کند و بین المللی شود زیرا موانع بسیار و عوائق بیشمار در اینمورد ظاهر میگردد که مهمترین آنها تعصبات جنسی و وطنی ملل و دول است .

بدیهیست هیچیک از ملل حیه مانند فرانسه و انگلیس مثلا راضی نخواهند شد که لغت رقیب آنها عمومیت پیدا کند و بین المللی شود و هر يك با تمام قوت میکوشد که این مزیت را برای زبان و لغت خود احراز کند و رقبای خود را از آن بی بهره سازد .

بعضی برای این مقصود لغت لاتینی را پیشنهاد کرده اند باین نظر که اگر لاتینی عمومیت پیدا کند این مانع مهم و تعصبات بیجا مرتفع خواهد شد . . . ، لکن لغت لاتینی بملاحظاتى چند نمیتواند از عهده انجام این مهم برآید که عمده آن صعوبت تعلم و سختی فراگرفتن آنست قطع نظر از آنکه لاتینی از تادیه معانی عصر حاضر قاصر و عاجز است و این مسئله بدیهیست . . .

پس باید برای اینمقصد لغت تازه یافت متفکرینی که در صدد عملی کردن این موضوع برآمده اند نظر بیانات سابقه از استعمال و انتخاب السنه موجوده خود داری کرده و همت گماشتند لغت تازه آسانی که حاوی شرایط لازمه باشد وضع نمایند برای وصول باینمقصد دو نظریه میتوانند اتخاذ کنند

- ۱ - مقاطع متنوعه اختراع کنند و الفاظ را از آنمقاطع ترکیب نمایند و این ترکیب را مطابق قواعدی که بعد مقرر خواهند کرد قرار دهند
- ۲ - اصول و ریشه های الفاظ مختلفه را از لغات موجوده حیه اتخاذ

کرده باین معنی که ریشه ها و اصولیکه در بین لغات مزبوره عمومیت دارند انتخاب نمایند ، برای طرز و شرح طریقه اول مثالی بیان کنیم -

از جمله اشخاصیکه مطابق طریقه اولی لغتی وضع کردیکنفر فرانسوی موسوم به «ژان سودر» بود مشارالیه یکدسته مقاطع تعیین کرده و آنها را اساس تالیف و ترکیب کلمات قرار داد مقاطع مزبوره علامات «نوت های» موسیقی بودند از قبیل «دو» ، «ری» ، «می» ، «فا» ، «سل» ، «لا» ، «سی» ، «دو» . . . مخترع مزبور اینگونه قرار داد که کلمه «دوری می» یعنی روز و کلمه «دور سی» یعنی هفته و «دو می سل» یعنی خدا و عکس این کلمه یعنی «سل می دو» بمعنی شیطان باشد و بر همین قیاس وضع سایر لغات نمود لکن بتجربه واستقراء ثابت شده که لغات مرکبه از مقاطع مخترعه از عهده ایفای مطالب نمیتواند بر آید . . .

لغت بین المللی باید اصول و ریشه های آن از لغات حیه معروفه اقتباس شود و در تحت قواعد مخصوصه قرار گیرد . . .

### اسپرانتو

از آغاز سال «۱۸۸۰» میلادی تا «۱۹۰۷» متجاوز از بیست لغت در عالم اختراع گردید که عمده آنها از لغات حیه ماخوذ شده بود مشهورترین لغات مزبوره و ساده ترین آنها از هر حیث باتفاق عموم لغت اسپرانتو است لغت مزبور را «دکتر زامنهوف» که از اهالی بولنداست وضع نمود . . . اولین کتابی که بلغت مزبور دکتر مذکور نوشت باسم مستعار «دکتور اسپرانتو» یعنی دکتر امید وار» انتشار یافت از این جهت لغت مزبور را اسپرانتو نامیدند . . . اسپرانتو طرفداران و ناشرین بسیار دارد که مالهای زیاد و مصارف هنگفت در راه نشر و ترویج این لغت بواسطه مجلات و جراید

و انعقاد مجامع مهمه و جز اینها از سایر وسائل خرج و صرف می نمایند از طرفداران مهم این زبان بسیاری از مذاهب و ملل قدیم و جدید می باشند و چون لغت مزبور برای اجرای ایجاد لغت بین‌المللی و وحدت لسان بسی مناسب و از هر جهت موافق است افراد هر ملت در ترویج آن نهایت سعی و کوشش را می نمایند و در جمیع بلاد و اقطار عده زیادی موجود است که همه در انتشار این لغت جدید و کوشش می نمایند و از نقطه نظر دینی در ترویج آن سعی میکنند امید است که بواسطه آنها این مقصد مهم بزودی مجری گردد چون هر قضیه که از نقطه نظر دینی تعقیب شود مسلماً انجام خواهد گرفت « ما در اینجا بصحت و یبطلان مذاهب نظر نداریم » خود دکتر زاننهوف هم البته از روی خلوص نیت و خدمت بعالم بشریت باختراع لسان مزبور قیام نمود . . . از سال « ۱۹۰۵ » مجامع مهمی هر سال در یکی از بلاد اروپا و امریک منعقد می شود و نمایندگان از اطراف عالم برای نشر اسپراتو حضور میابند .

مؤید انعقاد مجمع عمومی بین‌المللی اسپراتو قبل از جنگ در پاریس بسال « ۱۹۱۴ » بود این مجمع بواسطه اشتعال نایره حرب و قتال منعقد نشد ولی اسامی « ۳۶۰۰ » نفر نماینده از طرف « ۳۵ » ملت و طایفه در دفتر ثبت شده بود . . .

اینک مختصری از قواعد و اصول این لغت را ذیلاً مینگاریم . . .

الفاظ اسپراتو — الفاظ این لغت قریب باصوّل الفاظ شایعه منتشره در دنیا است بیشتر از الفاظ اسپراتو از ریشه لاتینی گرفته شده و برخی از آن از ژرمنی یا یونانی اتخاذ گردیده در عده الفاظ جنبه تقابلی رعایت شده بطوریکه اصول لفظیه از چند صد ریشه تجاوز نمیکنند با وجود قلت اصول می توان

از مقاصد و معانی تعبیر نمود سر این مسئله با قلت الفاظ آنستکه در لغت مزبور  
 علامات و ادواتی قرار یافته که چون آنها را باول یا آخر کلمه اضافه کنند معنی  
 تغییر میکند مثلاً علامت MAL اگر در اول کلمه در آید ضد معنی ریشه را  
 می فهماند GRANDA یعنی بزرگ - و کلمه MALORANDA یعنی کوچک - علامت  
 ETD در آخر کلمه زیاد شده ریشه را تصغیر میکند - KNABD یعنی پسر بچه  
 KNABETD یعنی پسر بچه کوچک ، ، ، علامت ETO ریشه را بزرگ میکند ، ، ،  
 علامت IDO بر زاده و بچه دلالت میکند - CEVALO یعنی اسب ، ، ، CEVALIDO  
 یعنی گره اسب و هم چنین ، ، ،

تهجی در اسپرانتو به هیچوجه حذف و ابدالی نیست ، ، هر حرفی يك تلفظ  
 بیشتر ندارد و در کلمات حرفیکه زیادی باشد و خوانده نشود وجود ندارد ، ،  
 بجای حرفیکه در لغات اروپائی از ترکیب الفاظ حاصل می شود مثل دو حرف  
 CH که در فرانسه شین می شود و SH که شین انگلیسی است در اسپرانتو بواسطه  
 گذاردن علامت کوچک در حرف معینی از حرف مزبور تعبیر میکنند و هم چنین  
 بجای حرفیکه در لغات سائر تلفظ آنها بر حسب وقوع قبل از (A.O) یا (A.I)  
 و غیره تغییر میکنند در اسپرانتو الفاظی مستقل وضع شده است مخترع اسپرانتو  
 برای اینگونه تلفظات علامتی کوچک بشکل هشت عربی روی حرف قرار  
 داده علامت مزبور تلفظ حرف را تغییر می دهد ، ، مثلاً حرف (a) بدون علامت  
 کاف فارسی تلفظ می شود و با علامت مزبور (i) حیم تلفظ می شود حرف (h)  
 بیعلامت « ه » و با علامت H « خ » تلفظ می شود برای نمایش حرفی که تلفظ  
 CH فرانسه و SH انگلیسی را برساند لفظ S را بکار برده و علامت مزبور  
 را روی آن می گذارند S « ش » لفظ C که در سایر لغات گاهی کاف و گاهی  
 « ث » تلفظ می شود در اسپرانتو « تس » تلفظ شده و برای تلفظ کاف حرف

K را یکاز می برند قواعد اسپراتو - در اسپراتو حتی الامکان رعایت اختصار و تسهیل شده و در قواعدش اسائنا و شانو نادر نیست برای حرف تعریف لفظ A استعمال میشود خواه معرف مذکر یا مؤنث مفرد یا جمع باشد مثل « ال » در لغت عربیه، ، ، -

در اسپراتو اسم همیشه با حرف ( ) خاتمه می یابد و جمع بواسطه زیاد کردن G ی در آخر کلمه نمایش داده می شود مثال PATRO پدر ، ، ، PATROJ « پدر ها » لفظ IN تاینث است (PATRINO مادر ، ، ، علامت صفت حرف A است در آخر کلمه جمع صفت نیز زیاد کردن G است ، ، ، صفت از اسم ساخته می شود باین طور که علامت اسم ( ) را برداشته و علامت صفت A بدان اضافه نماید ، ، ، - PATRA پدری ، ، ، PATRINA مادری ، ، ، جمع هر دو باضافه لفظ G در آخر صورت میگیرد ، ، ، علامت ظرف و قید E است در آخر کلمه - PATR پدرانه و بر همین قیاس ، ، ،

در ژنو مجمع اسپراتوی عمومی بین المللی موجود است که در سال « ۱۹۰۸ » تاسیس شده مجمع مزبور در عموم بلاد مهمه از جمیع ممالک نمایندگان دارد که بنشر و ترویج لغت مزبور مشغولند عدد نمایندگان در سال « ۱۹۱۴ » قریب « ۱۲۶۰ » نفر بود و بسبب جنگ عمومی به « ۶۵۰ » تنزل نمود ، ، ، کتب بسیاری بلغت اسپراتو نوشته شده و تصانیف مشاهیر رجال مانند فرجیل شکسپیر ، راسن ، مولیر ، هوگو ، ولتر ، ، ، باین لغت ترجمه گردیده و در « ۳۶ » مملکت از عالم « ۳۵ » مجله بلسان اسپراتو انتشار می یابد ، ، ، [ مقاله فاضل تمام شد ]

این مقاله در یازده سال قبل در مجله الهلال راجع بلسان اسپراتو منتشر شده و بدیهیست که این زبان تاکنون چه قدر ها بر وسعت و انتشار خود افزوده



است خصوصاً که « لیدی زا منهوف » دختر دکتر مخترع لسان باکمال جدیت در اقطار عالم مسافرت نموده و در مجامع مهمه بلاد متمدنه برای ترویج لسان مزبور نطقهای مهیج ادا می نماید و اگر فرصتی شد در شماره های بعد برخی از نطقهای او را که با سپرانتو ادا کرده و در مجلات اسپرانتو درج شده ترجمه نموده منتشر خواهیم ساخت « مطبوعات ادبی و علمی این لسان تا سال «۱۹۲۳» میلادی بیشتر از « ۵۰۰۰ » جلد بوده و جرائد و مجلاتی که باین لغت منتشر می شود بر « ۹۰ » بالغست . . . کتب ابتدائی که بزبان فارسی در باره این لغت تالیف شده اگر چه محدود است ولی باندازه کفایت می باشد مانند « اسپرانتو در بیست درس » تالیف آقای بهمن شیدانی و « اسپرانتو در چهل درس » از نشریات مجمع اسپرانتیست تبریز . . . و کلید اسپرانتو و غیر اینها . . . در پنجسال قبل تقریباً . . . دولت ژاپون اسپرانتو را برای روابط خارجی قبول و برسمیت شناخت . . . مسیونیشیمو را . . . رئیس مجمع تصوف ژاپون سبب اینکه دولت ژاپون اسپرانتو را برای روابط خارجی انتخاب کرد این طور معین میکند و میگوید جهت ترویج این لسان مواد ذیلست . . . اسپرانتو لسانیست بی طرف و از این رو مورد اعراض و وجهه رقابت سایر السنه و لغات واقع نخواهد شد . . . ۲ . . . اسپرانتو آسانترین و ساده ترین لغات موجود در دنیا است

۳ — ممالک متمدنه عموماً لسان مزبور را برسمیت شناخته و از این جهت در جمیع جهات و در میان ملل حیه راقیه انتشار یافته و مورد استعمال شده است

۴ — مخترع اسپرانتو چون با خلوص نیت و برای خدمت بعالم انسانی زحمت اختراع و مشقت ایجاد این لسان را کشیده از این جهت یکروح معنوی و جاذبه باطنی در این لسان موجود است که در سایر السنه نیست . . .

« مجله ایران شهر سال چهارم » ، ، امید است ایرانیان نیز در تعقیب این مقصد بعضی انتشار لغت اسپرانتو با ملل متمدنه عالم همراہ شده بتودی وسیله جامعہ اتحاد شرق و غرب را فراهم کنند

مسجد سلیمان ، ، اشراق خاوری ، ،

## « تغزل »

شمع بزم افروزتر یا طلعت دلدار من  
بیشتر قطره به دریا یا چشم من سرشک  
شام هجران تیره تر یا حال من یا حال یار  
طعن دشمن تلختر یا زهر کین یا هجر دوست  
عنبر ساراست به یا زلف عنبر سار دوست  
بیشتر شمشیر خورشید فلک آفاق گیر  
میخرامد خوبتر کبک دری در کوهسار  
مهر نور انگیز تر یا آنمه با مهربان  
تیر کین داندوز تر یا ناوک عشق بتان  
روز بازار حقیقت بیشتر کم اعتبار  
فتنه پرورتر وزیران یا و کیلان یا سپهر  
سرو از سرمایه است آزادتر یا ارمغان  
منت ناکس کشیدن سخت تر یا کوه درد  
سخت تر ز اهن دل جانانه یا جان وحید

برق خرمن سوز تر یا آه آتشبار من  
عقده در زلفش فروز تر یا گرد در کار من  
زلف یار آشفته تر یا کار یا افکار من  
آهن کان سختتر یا کوه یا دلدار من  
نافه مشک است مه یا کلک مشک انبار من  
یا عیار سیم و زر یا لعبت عیار من  
یا بطرف گلستان معشوق گل رخسار من  
چرخ اختر خیز تر یا چشم اختر وار من  
شیخ شهر آشوب تر یا چشم مست یار من  
سبحه شیخ دغل یا رشته زنار من  
روسیه تر زاهدان یا زاغ یا طومار من  
کان گهر انگیز تر یا طبع گوهر بار من  
شربت مردن چشیدن سهل تر یا کار من  
بیشتر آوازه حسن دوست یا گفتار من

## غزالی

مولانا غزالی از جمله عرفاء کاملین و شعراء شامخین محسوب و در زمان شاه طهماسب بهادر خان صفوی بوده و در خدمت آن سلطان حسن قبول یافته و او را مدحها کرده و همچنین ملاح خان زمان ولد حیدر سلطان (۱) سببه نبودن حروف اسپرانتو در مطبعه بعضی حروف و علامات چیده نشد است.